



کانون پزشکان و دندان پزشکان ایرانی مقیم آلمان

VEREINIGUNG DER IRANISCHEN ÄRZTE UND ZAHNÄRZTE IN DER BRD E. V. (VIA)

ASSOCIATION OF IRANIAN PHYSICIANS AND DENTISTS IN GERMANY

POSTFACH 260266 • 50515 KÖLN

<http://www.kanun.org>

بولتن خبری شماره‌ی سه، ویژه‌نامه‌ی جایزه‌ی جهانی پورسینا ۲۰۰۸

بازتاب‌های بزرگ داشت پزشکان پیش‌تاز ایرانی

در شهر بُن، سال ۲۰۰۸، در چهارچوب

«جایزه‌ی جهانی پورسینا در زمینه‌ی پژوهش و آموزش پزشکی»





بولتنِ خبري

كانونِ پزشكان و دندان پزشكانِ ايرانيِ مقيمِ آلمان

شماره‌ي سه، امرداد ۱۳۸۷، آگوست ۲۰۰۸

ويژه‌نامه‌ي جايزه‌ي جهانيِ پورسينا ۲۰۰۸

نشانی: Postfach 260266, D-50515 Köln

پست الكترونيك: info@kanun.org

نماير: +49 (228) 651417

این بار در سال ۲۰۰۸ نیز سربلند هستیم که شش تن از پژوهشگران برجسته‌ی دانش پزشکی فراخوانِ *کانونِ پزشکان و دندان‌پزشکانِ ایرانیِ مقیمِ آلمان* را پذیرفتند و در روز بیست و چهارمِ ماهِ مه در شهر بُن در پیش رویِ حدود ۲۰۰ پزشک، دندان‌پزشک و دانش‌جو با دریافتِ جایزه‌ی پورسینا، گواهی دیگر به دفترِ تلاش‌های خستگی‌ناپذیر دانشمندانِ مان در خدمت به جامعه و دانش افزودند:



پروفیسور دکنر غلامعلی تاروردیان - ژنتیکِ انسانی

پروفیسور دکتور پیمان حاجی - پزشکی زنان و زایمان و ہورمون شناسی زنان

پروفیسور داکٹر ابوالقاسم سپہرنیا - جراحی مغز و اعصاب

پروفیسور دکنر داریوش فہیمی - کالبدشناسی و یاختمشناسی

پروفیسور دکترولی اللہ محرابی - جراحی عمومی و کودکان

پروفیسور داکٹر محمد رضا نوروزیان - سرطان شناسی و خون شناسی

با آرزوی پیش‌رفتِ روزافزونِ تک‌تکِ این دانشمندان، برای رسیدن به مراسمِ سال‌هایِ آینده و برخورداری از دست‌آوردهایِ دیگر پژوهشگرانِ روزشماری می‌کنیم.

این مراسم بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها و تارنماهایِ پارسی‌زبان به جای گذاشت، که گزیده‌ای از آن را در این جا برای آگاهی شما همکاران ارجمند می‌آوریم.



پیروز و سربلند باشید!

کانون پزشکان و دندان‌پزشکان ایرانی مقیم آلمان

امرداد ۱۳۸۷، آگوست ۲۰۰۸

نوادگانِ راستینِ «ابن سینا»!

گزارشی از اعطای جایزه‌ی «ابن سینا» به پزشکان ممتاز ایرانی

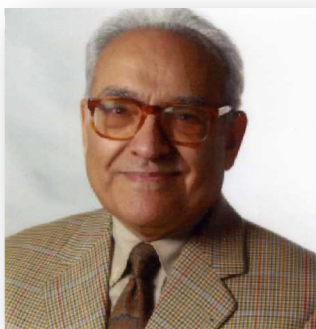
برگرفته از روزنامه‌ی کیهان شماره‌ی ۱۲۰۹ - چاپ لندن - ۵ تا ۱۱ ژوئن ۲۰۰۸

نه! این قافله را سر باز ایستادن نیست! منظورم لشکری از پزشکان ممتاز ایرانی است که هر از چند گاهی به همت و ابتکار «کانون پزشکان و دندان‌پزشکان ایرانی مقیم آلمان» به جامعه‌ی پزشکی ایران و آلمان معرفی می‌شوند و با دریافت جایزه‌ی نمادین «ابن سینا» مورد تجلیل و تقدیر قرار می‌گیرند.

این بار، نوبت بزرگداشت شش پزشک و دانشمند عالی‌قدر ایرانی بود که هر یک در عرصه‌ای نام‌آور گشته و خدمات گران بهایی به جامعه‌ی علمی دنیا عرضه داشته‌اند. مجلس بزرگداشت روز ۲۴ مه در شهر بُن و با حضور شمار کثیری از پزشکان و دندان‌پزشکان ایرانی و آلمانی برگزار شد. برپایی و هدایت این گردهم‌آیی نیز - مثل گذشته - با تلاش‌های ستایش‌انگیز پروفیسور علیرضا رنجبر، رئیس کانون، و همکاران وی در هیئت مدیره عملی گردید. من که به عنوان عضوی از کانون در جلسه شرکت کرده بودم، از دیدن و شنیدن دست‌آوردهای پزشکان عالی‌مقام ایرانی چنان تحت فشار قرار گرفته بودم که در لحظاتی بغض گلویم را می‌فشرد و اشک شادی در چشمانم حلقه می‌زد.

در آن لحظات از ذهنم می‌گذشت که شاید بتوان - اگر حمل بر احساسات اولتراناسیونالیستی نشود - از پدیده‌ای به نام «Medicus Persicus» یا ژانر «پزشک ایرانی» سخن گفت. منظور از آن، پزشکان فرهیخته‌ای است که با پشت کار و نیز شیفتگی تحسین‌انگیز، حرفه‌ی خود را آموخته و آموزانده، و یافته‌های خویش را در خدمت زندگی انسان‌ها و تعالی سطح دانش پزشکی قرار داده‌اند.

وقتی در سطور پائین با نام و کارنامه‌ی این پزشکان تلاشگر آشنا شوید، خواهید فهمید که منظور من از این پدیده‌ی «پزشک ایرانی» چیست.



گردهم‌آیی «کانون» با معرفی و قدردانی از پروفیسور داریوش فهمی آغاز گردید. این دانشمند گران‌قدر و فروتن سالها سرپرستی «انستیتوی آناتومی و بیولوژی سلولی» را در دانشگاه نخبه‌پرور «هایدلبرگ» بر عهده داشته است. او نه تنها در دانشگاه‌های معتبر آمریکا نیز شخصیتی شناخته شده و مورد احترام است، از او به عنوان «دانشمند استثنایی که هم پیش‌تاز است و هم آینده‌گرا» نام برده می‌شود. هنگام مرور زندگی‌نامه‌ی وی دو صحنه‌ی زیبا وجود داشت: یکی این که هنگام

سقوط حکومت دکتر مصدق، او که دانشجویی جوان بود، در غربت با تعدادی از همگنان خود با بازوبند سیاه در دانشگاه

حاضر شده بود! نه به معنای موافقت یا مخالفت با این یا آن دولت‌مرد، بلکه به نشانه‌ی عزاداری برای پُژمردنِ نهالِ نخستین کوشش‌ها برای دست‌یابی به دموکراسی در کشورش. دیگر این که، وقتی چند تصویر خانوادگی را نشان می‌داد، با اشاره به عکسی از دورانِ خردسالی در کنار دایه‌اش گفت: «اگر من به جایی رسیده‌ام، این زن نیز یکی از یاورانِ من بوده است. زیرا او بود که نخستین بار الفبای فارسی را به من آموخت...» او این کلماتِ قدرشناسانه را در میانِ بغض و هیجانِ عاطفی ادا کرد، که حاضران را هم به شدت تحت تأثیر قرار داد.

پروفسور فهیمی در سال‌های جوانی با شاعری فقید، فروغ فرخ‌زاد، رفت‌وآمد داشته است.



شخصیت علمی دیگری که مورد تجلیل قرار گرفت، **پروفسور پیمان حاجی** بود، پزشکی جوان و باانرژی که به عنوان متخصص زنان و پژوهشگر سرطان در دانشگاه‌های «ماربورگ» و «گیسن» مشغول فعالیت است.

این دانشمند ایرانی دارای آثار پژوهشی بسیار است و با حرارت تمام به کارهای تحقیقی و آموزشی خویش ادامه می‌دهد.



طبيب دیگری که مورد قدردانی واقع شد، **پروفسور ولی‌الله محرابی** بود. او را که پدر جراحی کودکان در ایران لقب گرفته، از ایران دعوت کرده بودند.

پروفسور محرابی دانشکده‌ی پزشکی را در ترکیه و در زمانی کمتر از پنج سال به پایان برده سپس در آلمان و آمریکا در زمینه‌ی جراحی کودکان کار و تحقیق کرده است. این دانشمند پرارزش، یک مجموعه‌ی هشت جلدی در باره‌ی «تاریخ مصور پزشکی» به زبان فارسی تدوین و منتشر کرده است.

سخنرانی وی در زمینه‌ی «تاریخچه‌ی حضور پزشکان خارجی در ایران» که به زبان فارسی ایراد شد با استقبال زیاد حاضران مواجه شد.



سپس نوبت به تجلیل از **پروفسور محمدرضا نوروزیان** از دانشگاه «اسن» شد. او که در عرصه‌های سرطان‌شناسی و خون‌شناسی تحقیق می‌کند، صاحب مقاله‌ها و آثار علمی بسیاری است که جملگی مورد توجه محافل علمی جهان است. یک خانم آلمانی که کنار من نشسته بود، آلمانی سلیس وی را با عبارت «آلمانی شسته-رُفته» مورد تحسین قرار داد.



شخصیت علمی دیگر **پروفسور ابوالقاسم سپهرنیا** بود، که از دست پروردگانِ پروفسور سمیعی، جراحِ پرآوازه‌ی مغز است، که مدتی هم در مقامِ سرپزشکِ کلینیکِ وی مشغولِ انجامِ وظیفه بوده است.

پروفسور سپهرنیا به عنوانِ جراحِ مغز و اعصاب در شهرِ «مونستر» فعالیت می‌کند. برخوردِ ویژه‌ی وی با اعمالِ جراحی رویِ مغزِ بیماران و نتیجه‌هایِ ناشی از آن، حاکی از نوعی شیفتگیِ واقع‌گرایانه به حرفه‌اش و نیز ارزیابیِ صحیحِ توانایی‌هایِ امروزیِ رشته‌ی موردِ علاقه‌اش است. او با نشان دادنِ تصاویرِ بیمارانی که پس از عملِ تومورِ مغز،

سلامتیِ کامل و حالتِ طبیعیِ بدنِ خویش را باز یافته اند، با غروری آمیخته به فروتنی می‌گفت: «این است مزدِ کار و زحمتِ من!»

این جراحِ توانگرِ مغز، با اشاره به موفقیتِ پزشکان و دیگر متخصصانِ ایرانی در کشورهای بیگانه، خود و همگانش را انسان‌هایی خواند که ریشه‌ی مضاعف دارند. به گفته‌ی او: «درختی که دو ریشه دارد استوارتر از درختانِ تک‌ریشه است.»



دانشمندِ بعدی که به شرکت‌کنندگان در جلسه معرفی شد، مردِ خودساخته و تلاشگری است به نامِ **پروفسور غلامعلی تاری‌وردیان**. او نیز پرورش یافته و نیز پرورش دهنده‌ی نیروهایِ متخصص در دانشگاهِ معروف و سخت‌گیر «هایدلبرگ» است.

پروفسور تاری‌وردیان متخصصِ ژنتیکِ انسانی است. او در سالهایِ پیش از انقلاب با آرزویِ بر پا کردنِ بخشِ مربوط به این رشته در ایران، به شهرِ زادگاهش تبریز رفت و مدتی در آن جا به تدریس و تحقیق و سازمانگری علمی پرداخت. اما کاستی‌ها و

نابسامانی‌هایِ جامعه، او را نیز چون بسیاری دیگر از فرهیختگانِ کشور، بارِ دیگر به آلمان بر گرداند. پروفسور تاری‌وردیان در کنارِ کارهایِ علمی و پژوهشی، از فعالیت‌هایِ فرهنگی هم غافل نیست. گزارش‌هایِ مصورِ وی از مناظرِ طبیعیِ ایران، به ویژه سرزمینی در آذربایجان که در رسانه‌هایِ آلمان پخش شده اند، گویایِ این تلاش است.

جلسه‌ی قدردانی از این نام‌آورانِ عرصه‌ی دانش چنان مجذوب‌کننده بود که حاضران زمانی حدودِ هفت ساعت را به آشنایی با آنان و کارهایشان گذراندند. در گرماگرمِ این جلسه‌ی مفید و غرورانگیز به خودم می‌گفتم، اگر چه «ابن سینا» هزار سال پیش می‌زیسته، اما نوادگانِ راستینش راه و روش او را همچنان ادامه می‌دهند! طوری که در پایانِ جلسه مجاب شده بودم، به یک معنا، به راستی می‌توان از «Medicus Persicus» سخن گفت.

دکتر ابراهیم محجوبی

اهدای جایزه‌ی ابن سینا به شش دانشمند ایرانی

علم پزشکی

برگرفته از تارنمای دویچه وله Deutsche Welle به تاریخ ۲۶ مه ۲۰۰۸

در روز شنبه (۲۴ مه) از ساعت دو بعد از ظهر تا ساعت ۹ شب حدود ۲۰۰ نفر در سالن کنفرانس هتل مرکور در شهر بن گرد آمده بودند تا هم به سخنرانی‌های علمی برندگان جایزه‌ی ابن سینا گوش کنند و هم با حضورشان در همایش، قدردانی خود را از خدمات علمی این دانشمندان نشان دهند. رییس کانون پزشکان و دندان‌پزشکان ایرانی مقیم آلمان، پرفسور دکتر علیرضا رنجبر، با خوش‌آمدگویی خود آغازگر همایش بود. سپس پرفسور دکتر نصرت پزشکیان، بنیان‌گذار روان‌شناسی مثبت، که خود از نخستین برندگان جایزه‌ی ابن سینا بوده است، در مورد ایده‌های ابن سینا در باره‌ی لزوم درنظرگیری مجموعه‌ی عوامل دخیل در یک بیماری برای درمان آن سخنرانی کرد. سپس مراسم اعطای جایزه‌ی ابن سینا آغاز شد. این مراسم در بر گیرنده‌ی شرح کوتاهی بود از دست‌آوردهای علمی هر یک از دانشمندان، به همراهی سخنرانی‌ای تخصصی توسط هر یک از خود آنان.

برندگان امسال

استادان و پژوهشگران برجسته‌ی علم پزشکی که جایزه‌ی ابن سینا سال ۲۰۰۸ به آنان تعلق گرفت عبارت بودند از: پرفسور دکتر داریوش فهیمی (متخصص آناتومی و بیولوژی سلولی)، پرفسور دکتر پیمان حاجی (متخصص زنان و بیماریهای هورمونی)، پرفسور دکتر ولی الله محرابی (متخصص جراحی و جراحی کودکان)، پرفسور دکتر محمدرضا نوروزیان (متخصص سرطان‌شناسی و خون‌شناسی)، پرفسور دکتر ابوالقاسم سپهرنیا (متخصص جراحی اعصاب) و پرفسور دکتر غلامعلی تاروردیان (متخصص ژنتیک انسانی).

کانون پزشکان و دندان‌پزشکان ایرانی مقیم آلمان و جایزه‌ی ابن سینا

کانون پزشکان و دندان‌پزشکان ایرانی مقیم آلمان در اول فروردین ۱۳۴۱ (۲۱ مارس ۱۹۶۱) در شهر کلن به وسیله‌ی نخستین گروه ایرانیانی که در آلمان در رشته‌ی پزشکی فارغ التحصیل شدند، تأسیس شد. این کانون که در بیست سال نخستین فعالیت خود بیش از همه اهدافی اجتماعی را دنبال می‌کرد، به تدریج به سازمانی علمی تبدیل شد. کانون سه سال پیش تصمیم گرفت که جایزه‌ای را به نام پزشک و فیلسوف ایرانی ابن سینا نام گذاشته، اهدا کند. به گفته‌ی پرفسور علیرضا رنجبر، رییس کانون، معیار کانون پزشکان و دندان‌پزشکان برای اعطای جایزه‌ی ابن

سینا همان معیارهایی است که برای دادن جایزه‌ی نوبل وجود دارد، همراه با اصلاحاتی تا بتواند با کانون هماهنگی داشته باشد. رنجبر می‌گوید که پایه‌ی آن معیارها بر روی کارهای برجسته‌ی علمی است که در سطح جهانی صورت گرفته، برای درمان بیماران، به ویژه بیمارانی که تا کنون صعب‌العلاج بوده‌اند.

بازتاب اعطای جایزه

اعطای جایزه در میان پزشکان و دندان‌پزشکان ایرانی مقیم آلمان، بازتاب خوبی در میان پزشکان و دندان‌پزشکان جوان ایرانی داشته است. به گفته‌ی پرفسور رنجبر از زمانی که کانون این جایزه را گذاشته، تعداد اعضای جوان آن بسیار زیاد شده است. رنجبر افزود که "این پایه‌ای است تا جوانان بتوانند الگویی را برای خود پیدا کنند و ببینند که کسانی در سالهای قبل با مشکلات بیشتر به این جا آمده‌اند و در کشوری غریب به بالاترین درجات علمی رسیده‌اند. این می‌تواند الگویی باشد که آنها هم بتوانند همان راه را دنبال بکنند."

هم اکنون ۳۰۰ پزشک و دندان‌پزشک عضو رسمی این کانون هستند و افراد بیشتری نیز هستند که به عنوان علاقه‌مندان به علم پزشکی در نشستهای کانون شرکت می‌کنند.

کارکردهای کانون

در کنار تشویق پزشکان جوان، نقش مهم دیگر کانون این است که رابطه‌ی دوستانه میان دانشمندان ایرانی و آلمانی برقرار می‌کند. چون به گفته‌ی پرفسور رنجبر "درست است که این همایشی است که برگزارکننده‌اش کانون پزشکان و دندان‌پزشکان ایرانی مقیم آلمان است، اما دانشمندان آلمانی را هم در میان خود می‌گنجاند. برای همین کانون سخن‌رانی دارد که آلمانی هستند، استادان برجسته‌ی دانشگاهها. رابطه‌ای که در این جلسات به وجود می‌آید، آفریننده‌ی روابط بسیار صمیمانه‌تری است."

کانون تنها انجمن پزشکی خارجی و از معدود انجمنهای علمی در آلمان است که به عنوان یک انجمن، به وسیله‌ی آکادمی علوم پزشکی آلمان به رسمیت شناخته شده است. این کانون در هفت سال اخیر ۳۳ همایش بزرگ علمی داشته که به آنها در مجموع بیش از ۳۰۰ امتیاز علمی تعلق گرفته است که به گفته‌ی رنجبر حتی کمتر انجمن یا نهاد علمی آلمانی هم می‌تواند به آن برسد.

آنچه موجب این موفقیت کانون بوده به عقیده‌ی پرفسور رنجبر "پشت‌کار، اعتقاد به هدف و پتانسیل بزرگ ایرانیها در آلمان" بوده است. کانون تلاش کرده تا این پتانسیل بزرگ علمی را گرد آورد تا همه با هم در راه هدف و آرزویی که دارند گام بردارند، یعنی تجلیل از بزرگان پزشکی ایران و عرضه‌ی الگویی برای پزشکان ایرانی جوانی که در اول راه هستند تا ببینند که می‌توان حتی در کشوری خارجی به چنین موفقیت‌های بزرگی دست پیدا کرد.

و این حرفی بود که اکثر استادانی که جایزه را دریافت کردند، بر زبان آوردند. از آنها پرسیدم که در باره‌ی مراسم اعطای جایزه چه فکر می‌کنند و احساسشان چیست.

اظهار نظرها

جوان‌ترین آنان **پرفسور دکتر پیمان حاجی**، متخصص زنان و بیماری‌های هورمونی، که ۴۴ سال دارد و از شش ماهگی در آلمان به سر می‌برد گفت: "خیلی شب خوشی بود. من زیاد در جشن‌های ایرانی نیستم، و از این لحاظ خوش حال شدم که دوستان ایرانی بسیاری را در این جا دیدم. برای من دریافت جایزه‌ای ایرانی بسیار جالب است. تا به حال جوایز امریکایی و آلمانی گرفته بودم. اما این جایزه‌ای استثنایی است که برای من زیباست. با این که در آلمان بزرگ شده‌ام، بالاخره ایرانی هستم و برای همین این جایزه برایم مهم است."

پرفسور دکتر داریوش فهیمی، متخصص آناتومی و بیولوژی سلولی، گفت: "خیلی شب جالبی بود برای من، مخصوصاً از جنبه‌های مختلف کار ایرانیانی مطلع شدم که در جاهای مختلف در آلمان، و نیز آقای محرابی از ایران، تحقیق می‌کنند. می‌بینیم که ایرانیان با علاقه تحقیقات علمی‌شان را انجام داده و می‌دهند و این بسیار باعث خوش‌بختی و افتخار من بود. من خوش حال شدم و افتخار کردم به خصوص به این که هموطنان من از کارهایی که من انجام داده‌ام و همه در خارج بوده، اطلاع داشتند و این افتخار را نصیب من کردند."

پرفسور دکتر محمدرضا نوروزیان (متخصص سرطان‌شناسی و خون‌شناسی) این گونه اظهار نظر کرد: "این بار دوم است که من این جا هستم و واقعاً جای خوش‌بختی است که هم برنامه خوب بود و هم محتوای آن خوب بود. سطح علمی آن بالا بود. علتش هم این بود که کسانی که دعوت شده بودند تا صحبت کنند، کسانی اند که واقعاً دانشمندان و پزشکان سطح بالا هستند. جای خوش‌بختی است که چنین جلساتی تشکیل می‌شود و می‌توان در آن شرکت کرد. هم این جایزه را که دادند و هم این افتخار را که من عضو این کانون بشوم افتخار بزرگی است و من خوش‌وقتیم که مرا انتخاب کردند و از این نظر برایم فراموش نشدنی خواهد بود. من از این نظر تعجب کردم که فکر نمی‌کردم که کانونی وجود داشته باشد که در آن افرادی باشند که بدون این که مرا شخصاً بشناسند، تحقیق و مطالعه کنند تا ببینند که چه کسانی هستند که می‌توانند به آنها چنین امکان و اجازه‌ای را بدهند. برای من جای تعجب بود که این‌ها متوجه من شده بودند، یعنی اطلاع دارند که من چه کار می‌کنم. علتش این است که من با این کانون تماسی نداشتم و فکر نمی‌کردم که کانونی باشد که کارهای علمی بکند. فکر می‌کردم که کانونی باشد که کارهای اجتماعی می‌کند. تعجب کردم. و این خیلی خوب است. نه این که چون من این جایزه را گرفته باشم! واقعاً خیلی خوب است."

پرفسور دکتر ابوالقاسم سپهرنیا (متخصص جراحی اعصاب) در پاسخ به پرسش‌های من گفت: "برنامه‌ی امشب برای من از این نظر جالب بود که با کسانی آشنا شدم که فقط اسمشان را شنیده بودم، در حالی که می‌دانم که کارهای بسیار مهمی در طب در آلمان انجام داده‌اند. و این‌ها کسانی هستند که پایه‌ریزی طب را در آلمان کرده‌اند و این برای ما خیلی

مهم است که ایرانی، از جای دیگر، کشوری دیگر و وضع زندگی دیگر می‌آید و در این جا به جایی می‌رسد که به دیگران تدریس می‌تواند بکنند و این خیلی برای من مهم و جالب بود. چون تعداد ما در آلمان نسبتاً زیاد نیست. ولی با این حال می‌شود دید که به طبقات بالا رسیده‌ایم و آن کسانی را که ما این جا دیدیم واقعاً همه‌شان باعث افتخارند. بزرگترین احساس من این است که کاری که ما این جا می‌کنیم، برای همه مهم است، نه برای خود ما تنها، نه تنها برای بیماران و همکاران آلمانی ما. برای من بسیار مهم بود که ببینم که در کانون کسانی هستند که چشم به کار دیگران دارند، می‌بینند که ایرانیان دیگر چه کار می‌کنند و از زاویه دیگر به ما نگاه می‌کنند. از این لحاظ برای من مهم بود و من خیلی خوش‌حالم که این جایزه را به من داده‌اند و خیلی هم افتخار می‌کنم.”

پرفسور دکتر غلامعلی تاری وردیان (متخصص ژنتیک انسانی) گفت: “بسیار خوش‌حال شدم که هموطنان من که در آلمان تحصیل کرده‌اند به دنبال کارهای علمی هم رفته‌اند و فقط در عرصه خدمات درمانی نیستند. به نظر من سخنرانی‌هایی که امشب شنیدیم همه قابل استفاده بودند. مخصوصاً در تحقیقات علوم پایه می‌بینیم که ما دانشمندان زیادی داریم که از ایران به این جا آمده‌اند و توانسته‌اند مثل یک شهروند آلمانی در رشته خودشان پیش‌گام باشند. آرزوی من در دوره تحصیلی و کارم همیشه این بود که این کارها را به ایرانیها هم ارائه بدهم، مخصوصاً در ایران. و سعی‌ام را هم کردم، همان طور که در جلسه گفتند، پنج سال رفتم و سعی‌ام را کردم، اما متأسفانه آن طور که باید و شاید نشد. آدم می‌تواند برای ایرانیها نتایج کارهایش را توضیح دهد و شاید بتواند به آنها انگیزه‌ای بدهد تا به دنبال علم بروند. بدین خاطر بسیار خوش‌حال شدم.”

پرفسور دکتر ولی‌الله محرابی از ایران به آلمان دعوت شده بود. وی که از بنیان‌گذاران انجمن دوستی ایران و آلمان است به نقیص چنین اقدامهایی در ساختن آینده جوانان کشور اشاره کرد و گفت: “هدف از دریافت این جایزه نباید این باشد که آدم از آن سوء استفاده کند، بلکه باید قدمی باشد برای نسل آینده و راهی باشد برای جوانان مملکتمان. برای من مایه افتخار است که گروهی از همکاران جوان یک چنین برنامه‌ای را پیش‌نهاد کردند و این‌ها در گذشته به ایران آمدند. با توجه به مسئولیتهایی که من در ایران داشتم، حتی در ایران کاندید کرده بودند که این جایزه را به من بدهند، اما من به حکم ارتباطی که با این نسل دارم از گرفتن جایزه خودداری کردم و گفتم که به این جا می‌آیم. برای من مایه افتخار است که از همکاران ایرانی و آکادمی دوسلدورف که پایه این مسائل را ریخته‌اند جایزه را دریافت می‌کنم و به این جایزه افتخار می‌کنم.”

کیواندخت قهاری

جایزه‌ی علمی پورسینا و راه‌یابیِ کانونِ پزشکانِ ایرانی مقیمِ آلمان به کمیته‌ی جایزه‌ی نوبل

گفتگوی ماه‌نامه‌ی اندیشه به تاریخ آگوست ۲۰۰۸ با پروفسور دکتر علیرضا رنجبر

اندیشه: جناب عالی در شماره‌ی هفتم و هشتم ماه‌نامه‌ی اندیشه به طور مبسوطی در مورد کانونِ پزشکانِ ایرانی مقیمِ آلمان توضیح دادید. در این جا لطفاً قدری در موردِ جایزه‌ی علمی پورسینا توضیح دهید و این که این جایزه از نظر علمی حائز چه اهمیتی است؟

پروفسور رنجبر: جایزه‌ی پورسینا در سال ۲۰۰۶ به پیش‌نهاد من و هم‌چنین تصویب هیئت مدیره‌ی کانون بنیان‌گذاری شد. هدف از اعطای این جایزه تشویق و قدردانی از بزرگان پزشکی ایران و جهان است که کارهای بزرگ علمی را در سطح جهانی انجام داده اند که این پژوهش‌ها ضمناً در جهت پیش‌رفت بشریت نیز بوده است. معیارهایی که برای جایزه‌ی پورسینا در نظر گرفته شده، همان معیارهای جایزه‌ی نوبل است، اما با تغییراتی که با ساختار تشکیلات کانون هم سازگار باشد. علاوه بر این، یک هدف دیگری هم در کار بود و آن این که بتواند به جوان‌های ما یک الگوهائی را نشان بدهد که بدانند پژوهشگران و محققان ایرانی در یک کشور خارجی با سختی‌های بسیار توانستند با پشت کار و همتی که داشتند به بالاترین درجات علمی برسند و این آن چیزی است که می‌تواند راه را برای این جوانان هموار کند.

اندیشه: آیا جایزه‌ی پورسینا مورد تأیید مجامع علمی آلمان و یا اروپا می‌باشد؟

پروفسور رنجبر: جایزه‌ی پورسینا در هر سه سال ۲۰۰۶، ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ در آکادمی علوم پزشکی آلمان به ثبت رسیده است و علاوه بر آن به دلیل کارهای علمی‌ای که انجام می‌شده، امکان بازآموزی را نیز به کانون داده اند. در این جا باید توضیح دهم که یک جایزه‌ی علمی را تنها به ثبت می‌رسانند، کسی آن را تأیید نمی‌کند. اما موجه بودن این جایزه نیز به این دلیل است که افرادی این جایزه را دریافت کرده اند که در جهان به جوایز بسیار زیادی دست یافته اند و آنهایی که چه در اروپا و چه در آمریکا در سطح جهانی جوایز زیادی را دریافت کرده اند. وقتی جوایز پورسینا را قبول می‌کنند، با این عمل خود در واقع مهر تأییدی بر ارزش علمی این جایزه می‌زنند.

اندیشه: روز ۲۴ ماه مه همین سال در هتل مرکور شهر بُن، جایزه‌ی پورسینا به تعدادی از محققین و متخصصین ایرانی اهدا شد. لطفاً در این مورد توضیح دهید که این افراد چه کسانی بودند و به چه علت این جایزه به آنها تعلق گرفت؟

پروفسور رنجبر: در آن روز جایزه‌ی پورسینا به شش تن از محققین و پژوهشگران بزرگ ایرانی اختصاص داده شد، به ترتیب زیر:

۱- آقای پروفسور دکتر داریوش فهیمی. ایشان بنیان‌گذار بیولوژی سلولی در آلمان، در دانشگاه هایدلبرگ، و هم‌چنین در دانشگاه پزشکی دانشگاه معروف و معتبر هاروارد آمریکا و یکی از پیش‌کسوتان این رشته در جهان می‌باشند.

آقای پروفسور فهیمی سال‌ها ریاست دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه معتبر هایدلبرگ را بر عهده داشته‌اند و تا کنون بیش از ۲۰۰ مقاله‌ی علمی‌پرازش در مجلات معتبر پزشکی از ایشان به چاپ رسیده است. در روز اهدای جایزه‌ی پورسینا، آن چیزی که علاوه بر شخصیت والای علمی ایشان همگان را تحت تأثیر قرار داد، ادای احترام و قدرشناسی ایشان نسبت به دایه‌ی خود در دوران خردسالی بود که بنا بر اظهارات همراه با بغض و هیجان عاطفی ایشان، برای نخستین بار الفبای فارسی و خواندن و نوشتن را در پنج سالگی از او آموخته بودند. قابل ذکر است که پروفسور فهیمی از همکاران نزدیک پروفسور آلبرت کلود، برنده‌ی جایزه‌ی پزشکی نوبل در سال ۱۹۷۴ می‌باشد.

۲- آقای پروفسور دکتر پیمان حاجی. یک دانشمند جوان که با ۴۴ سال سن، جوان‌ترین شخصی بود که این جایزه را دریافت داشت. ایشان رئیس بخش تحقیقاتی بیماری‌های غدد و همچنین سرطان زنان در دانشگاه ماربورگ هستند و کسی هستند که در آلمان ریاست انجمن راه‌کارها و راه‌بردهای تشخیص و درمان مدرن پوکی استخوان را بر عهده دارد.

۳- آقای پروفسور دکتر ولی‌الله محرابی که پدر و بنیان‌گذار جراحی نوین اطفال در ایران هستند. در حال حاضر شاگردان ایشان به عنوان پروفسور در دانشگاه‌های ایران، اروپا و آمریکا مشغول به کار هستند. تعداد اعمال جراحی که توسط شاگردان ایشان در ایران بر روی کودکان صورت گرفته است بالغ بر یک میلیون و پانصد هزار می‌باشد. از شاهکارهای ایشان، تألیف کتاب تاریخ مصور پزشکی در هشت جلد می‌باشد. این کتاب در سال ۲۰۰۷ به عنوان کتاب سال پزشکی در ایران انتخاب گردید.

۴- آقای پروفسور دکتر محمدرضا نوروزیان که شخصیت شناخته شده در امور سرطان‌شناسی هستند. ایشان پژوهش‌های علمی زیادی را در سراسر جهان انجام داده‌اند و روش‌های جدید درمانی را که در تمام دنیا مورد استفاده است کشف کرده‌اند و در هر حال از محققان سرشناس ما در سطح جهان هستند.

۵- آقای پروفسور دکتر ابوالقاسم سپهرنیا. ایشان از بزرگان و نخبگان رشته‌ی جراحی مغز و اعصاب به شمار می‌روند و در دوره‌ی تخصصی خود در بخش آقای پروفسور مجید سمیعی، جراح پرآوازه‌ی جهانی مغز و اعصاب و برنده‌ی اولین دوره‌ی جایزه‌ی پورسینا در سال ۲۰۰۶، به اتمام رساندند و به دلیل توانایی‌های بالایی علمی، سال‌ها به عنوان سرپزشک در این بخش مشغول به کار و تحقیق بودند. سپس به دانشگاه لوبک رفتند و اکنون ریاست بخش جراحی مغز و اعصاب بیمارستان آموزشی و پژوهشی کلینس در شهر مونستر را عهده‌دار می‌باشند. ایشان چند روش جدید جراحی میکروسکوپی را در این رشته ابداع کرده‌اند که با این روش‌ها، تومورهای که در مغز برداشتن آنها با عوارض زیادی همراه بود، بدون بر جای گذاشتن آسیب به عمل کردهای مغز قابل عمل می‌باشند.

۶- نفر آخر، آقای پروفسور دکتر غلامعلی تاروردیان هستند که ایشان متخصص ژنتیک انسانی می‌باشند. ایشان از افراد واقعاً خودساخته‌ای هستند که در رشته‌ی تحصیلی پزشکی، تحصیلات‌شان را در دانشگاه بسیار سخت‌گیر هایدلبرگ به انجام رسانده‌اند و شاگرد ممتاز بوده‌اند. چند سال قبل از انقلاب به ایران باز گشتند و سعی کردند که رشته‌ی ژنتیک بالینی را در دانشگاه تبریز پایه‌ریزی کنند و بعد به آلمان باز گشتند و با موفقیت چشم‌گیری که داشتند موفق به اخذ کرسی استادی در رشته‌ی ژنتیک در دانشگاه هایدلبرگ شدند. ایشان صاحب مقالات بسیار زیادی هستند و جزو افرادی هستند که

در کنار کارهای علمی به کارهای فرهنگی نیز می‌پردازند. از عکسها و اخباری که ایشان از مناظر ایران تهیه کرده اند در رادیو و تلویزیون آلمان در برنامه‌های مختلف استفاده شده است.

اندیشه: در یکی از سمپوزیوم‌های کانون، جناب عالی اشاره‌ای در مورد راه‌یابی کانون به کمیته‌ی جایزه‌ی نوبل کردید. لطفاً در این مورد بیشتر توضیح دهید.

پروفسور رنجبر: ما اولین دوره‌ی جایزه‌ی پورسینا را در سال ۲۰۰۶ برگزار کردیم که با موفقیت همراه بود و بعد فکر کردیم که علاوه بر آن که می‌باید در سطح آلمان و اروپا فعال باشیم باید فعالیت‌مان را در سطح جهانی گسترش دهیم. در آن زمان فکر من این بود که با بالاترین مقطعی که در زمینه‌ی اعطای جایزه‌ی پزشکی و علمی سال‌هاست که این کار را انجام می‌دهد ارتباط برقرار کنیم و این سازمان، کمیته‌ی جایزه‌ی نوبل بود. باید عرض کنم که جایزه‌ی نوبل به افرادی داده می‌شود که کار ویژه‌ای در جهت خدمت به بشریت در زمینه‌های علمی انجام داده باشند. در این رابطه افراد بسیار زیادی در سطح جهان وجود دارند که استحقاق دریافت این جایزه را دارا هستند، اما کسانی که می‌توانند این افراد را نامزد کنند تنها به وسیله‌ی خود کمیته‌ی نوبل انتخاب می‌شوند و این امر به صورت سری انجام می‌شود. با توجه به این که هیچ انجمنی در دنیا وجود ندارد که بتواند بگوید این شخص یا آن فرد از طریق ما برای این کمیته نامزد شده و این تنها خود کمیته است که برای افراد نامه می‌دهد و آنها را در جریان نامزدی برای احراز جایزه‌ی نوبل قرار می‌دهد، من نمی‌خواستم در این رابطه به عنوان یک فرد وارد عمل شوم بلکه قصدم این بود که از طریق کانون بگویم که جامعه‌ی ایرانی نیز دارای این پتانسیل می‌باشد که به صورت گروهی نامزدی را برای این امر ارائه بدهد. در این راستا با کمیته‌ی جایزه‌ی نوبل تماس حاصل شد و پیشنهادی کارهای خودمان را به آن جا فرستادیم. تماس‌های مکرری انجام شد و با توجه به کارهای علمی که در این مدت انجام شده بود توانستیم کمیته‌ی جایزه‌ی نوبل را متقاعد کنیم به ما اجازه بدهند به عنوان یک انجمن علمی ایرانی فردی را برای جایزه‌ی نوبل نامزد کنیم و این خودش یک موفقیت بسیار بزرگ بود. با این کار توانستیم بگوئیم که ما هم جزو جامعه‌ای هستیم که این توانایی را دارد افرادی را به عنوان کاندیدای جایزه‌ی نوبل معرفی کند. در همین رابطه ما یکی از دانشمندان بزرگ خودمان، آقای پروفسور نصرت پزشکیان، ابداعگر روان‌درمانی مثبت در جهان را معرفی کردیم و به پیوست معرفی‌نامه، ۱۳۰ صفحه گزارش از کارهای ایشان که نشان‌دهنده‌ی ۴۰ سال فعالیت علمی این دانشمند بزرگ ایرانی در سطح جهان بود را به کمیته‌ی نوبل ارائه دادیم و خوش‌بختانه نامزدی ایشان مورد قبول واقع شد و فقط همین قبولی نامزدی این محقق ایرانی، خود پیروزی بسیار بزرگی بود.

اندیشه: در شماره‌ی ششم ماه‌نامه‌ی اندیشه در گزارشی در مورد اعطای جوایز نوبل در سال ۲۰۰۷، بنا بر اظهار نظر صدای آلمان، چنین آورده شده بود: «... پیشاپیش باید گفت سالیان درازی ست که آکادمی سلطنتی علوم در سوئد به وصیت آلفرد نوبل برای اعطای جوایز نوبل عمل نمی‌کند...». نظر شما در این رابطه چیست؟

پروفسور رنجبر: در حقیقت من خود اعضای کمیته‌ی نوبل را نمی‌شناسم. اصولاً کمیته‌ی نوبل جز ریاست آن که شناخته شده است، به صورت سری عمل می‌کند. سیاست کمیته‌ی نوبل از ابتدا این بود که روند انتخاب برنده‌ی جایزه کاملاً سری انجام شود، به این دلیل که نمی‌خواستند روی تصمیم‌گیری این افراد تأثیر منفی گذاشته شود. افرادی که کمیسیون

انتخاب می‌کند تا نامزدها را انتخاب کنند، آن هم کاملاً سری است. به همین دلیل قضاوت کردن در مورد آن بسیار مشکل است.

اندیشه: آیا اعضای کمیته‌ی نوبل به طور ادواری تعویض می‌شوند یا ثابت هستند؟

پروفسور رنجبر: هیچ چیز مشخص نیست. اطلاعات در این رابطه در دست نیست. تنها می‌دانم که این افراد به وسیله‌ی آکادمی سلطنتی علوم سوئد انتخاب می‌شوند.

اندیشه: کانون پزشکان برای همین سال، یعنی سال ۲۰۰۸ میلادی نامزدی را برای احراز جایزه‌ی نوبل به این کمیته معرفی کرده است؟

پروفسور رنجبر: بله، افراد زیادی هستند که می‌توانیم معرفی‌شان کنیم و انتخاب این فرد به خصوص هم باید تحت نظر یک کمیسیون علمی انجام شود. می‌دانید که همیشه شروع کار با پختگی کامل همراه نیست، اما مهم این است که کار تداوم داشته باشد. در امر انتخاب، باید بررسی شود و بعد از آن این پرونده برای کمیته‌ی نوبل ارسال شود. برای مثال روبرت کُخ بعد از آن که ۱۱۲ بار از طریق افراد متفاوت در عرض چند سال به کمیته‌ی نوبل معرفی گردید موفق به دریافت جایزه‌ی نوبل شد و باید توجه داشت که وی تنها برای کشف همان باسیل کُخ، نوبل را دریافت داشت و کاندیداتوری وی در تمام آن سال‌ها تنها به همین یک دلیل بود.

اندیشه: جناب رنجبر، چرا در مورد امر مهمی چون ایجاد و اعطای جایزه‌ی پورسینا و راه‌یابی کانون پزشکان ایرانی به کمیته‌ی نوبل و باقی فعالیت‌های علمی و بشردوستانه‌ای که توسط کانون انجام می‌گیرد در مطبوعات مطلبی دیده نمی‌شود و این قضایا تنها در سطح اعضای کانون و جوامع علمی باقی مانده است؟

پروفسور رنجبر: ببینید، افرادی که در کانون به انجام این امر مشغول هستند یا پزشک هستند یا دندان‌پزشک، که در واقع در کنار حرفه‌ی خود به کار مربوط به کانون می‌پردازند. باید گفت برای ما کار تبلیغاتی کردن هنوز جا نیافتاده است، ولی حالا از طریق ماه‌نامه‌ی اندیشه و با راه‌نمایی‌های مطبوعاتی این نشریه به مرور این امر جا خواهد افتاد. مسئله‌ی مطبوعات و تبلیغات هم یک علم است و امر تبلیغات در مورد چنین اموری نیز باید با علم مخصوص خود انجام گیرد. البته ما این اطلاعات را برای برخی از مجلات پزشکی تخصصی در ایران و آلمان ارسال داشته ایم که این هم همان طور که فرمودید در همان سطح جامعه‌ی علمی بود. اما امروز که تقریباً سه سال از این جریان می‌گذرد، زمان آن فرا رسیده که عموم مردم نیز از آن باخبر شوند.

اندیشه: جناب پروفسور رنجبر، در انتهای این مصاحبه اگر فکر می‌کنید مسئله‌ای باقی مانده که می‌خواهید مردم از آن مطلع شوند، لطفاً بفرمائید.

پروفسور رنجبر: ما ایرانی‌ها در تمام رشته‌ها دارای پتانسیل زیادی هستیم. اما در ضمن یک مشکل اساسی ما این است که وجود دارد و آن این است که در کارهای گروهی ضعیف می‌باشیم، در صورتی که در کارهایی انفرادی بسیار موفق هستیم. یک نمونه‌ی ساده این که کانون پزشکان ایرانی، مدت ۴۷ سال است که تأسیس شده است و تاریخ بنیان‌گذاری آن با تاریخ پیدایش نظام پزشکی آلمان تنها یک سال تفاوت دارد و یک پتانسیل علمی بسیار بالا در آلمان داریم.

شاید بتوان گفت حدود ۸۰ پروفیسور ایرانی در آلمان داریم که عده‌ی زیادی از آن‌ها در جهان علم حرف اول را می‌زنند، اما علی‌رغم این مسئله، کانون تنها در همین چند سال اخیر توانسته به پیشرفت‌هایی دست پیدا کند، در صورتی که ما می‌توانستیم در این ۴۷ سال سیاست پزشکی آلمانی را رقم بزنیم. بالاترین درصد پزشکان خارجی در آلمان، پزشکان ایرانی هستند، به طوری که شما حتا در یک شهر کوچک آلمان حد اقل مطب یک پزشک ایرانی را می‌یابید.

همین طور در دانشگاه‌های بزرگ و انستیتوهای علمی، دانشمندان ایرانی زیادی را می‌بینید که مشغول کار هستند. حال با این توضیحات سوال این است که چرا ما نمی‌توانیم پتانسیل علمی بزرگ خود را آن طور که باید و شاید نشان دهیم. آقای پروفیسور سپهرنیا در بحث علمی‌ای که داشتند به موضوع بسیار زیبایی اشاره کردند. ایشان فرموده بودند که ما ایرانیان دو ریشه داریم و درختی که دو ریشه دارد به مراتب قوی‌تر از درختی است که تنها یک ریشه دارد. خوب پس ما می‌توانیم بیشتر خودمان را نشان دهیم. باید توجه داشت که جایزه‌ی پورسینا تنها قدمی بود در این راه تا در آینده قدم‌های بزرگتری برداشته شود. یکی از اثرات همین همایش‌های علمی کانون این است که باعث آشنایی محققان و متخصصان ایرانی می‌شود. بسیاری از این اساتید که در این گردهمایی‌ها شرکت می‌کنند با آن که نام یک‌دیگر را شنیده‌اند اما با یک‌دیگر ملاقات رو در رو نداشته‌اند.

کانون در این سال‌ها با تمام فراز و نشیب‌هایی که پیش آمد می‌توان گفت تنها انجمن ایرانی در آلمان و اروپا است که پس از ۴۷ سال باقی و پا بر جا مانده است و امروز این کانون اگر با انجمن‌های علمی آلمانی که تاریخ تأسیس آن‌ها به بیش از ۱۰۰ سال می‌رسد مقایسه شود، می‌بینیم که کارهای بزرگی را در این چند ساله‌ی اخیر به انجام رسانده است. ما در این هفت سال اخیر از طرف آکادمی علوم پزشکی آلمان به رسمیت شناخته شدیم، اجازه‌ی بازآموزی گرفتیم و فقط در عرض هفت سال، ۳۲ سمپوزیوم علمی برگزار کردیم که همه‌ی آن‌ها مورد تأیید انجمن علوم پزشکی آلمان بود. چنین توانایی‌ای را هیچ انجمن علمی‌ای تا به حال نتوانسته ارائه کند، با توجه به این که آن‌ها توانایی مالی‌شان به مراتب بیش از توان مالی ما بوده و هزاران عضو دارند، در صورتی که کانون ما حدود ۳۰۰ عضو دارد.

این تنها مثالی بود برای نشان دادن پتانسیل جامعه‌ی ایرانی. ما باید به خودمان باور داشته باشیم. حالا همه نباید عضو کانون پزشکان شوند، بلکه هر گروهی می‌تواند در رشته‌ی مختلفی کانون ایجاد کند و در آن به فعالیت بپردازد و همه‌ی این کانون‌ها تحت حمایت کانون بزرگ‌تری مثلاً با نام کانون ایرانیان عمل کنند، تا بتوانیم بهتر خود را به جوامع خارجی نشان دهیم و این امر در زندگی ما و فرزندانمان در خارج از کشور نیز اثر مثبت زیادی خواهد گذاشت و از طرف دیگر بهتر می‌توانیم فرهنگ ملی کشورمان را به خارجیان نشان دهیم.

اندیشه: آقای پروفیسور زنجیر، از وقت و زمانی که برای انجام این مصاحبه به ماهنامه‌ی اندیشه دادید و از اطلاعاتی که در مورد جایزه‌ی علمی پورسینا و همین طور نحوه‌ی راه‌یابی کانون پزشکان و دندان‌پزشکان ایرانی مقیم آلمان به کمیته‌ی جایزه‌ی نوبل که در واقع به همت جناب عالی و تصویب هیئت مدیره‌ی کانون به انجام رسیده، در اختیار ما قرار دادید بسیار متشکریم و امیدواریم در این راستا شاهد برداشته شدن قدم‌های بزرگ‌تری از جانب شما به عنوان رئیس کانون و باقی اعضا باشیم.

Ausgabe zu Resonanzen der Verleihung des Internationalen Avicenna-Preises für die Forschung und Lehre in der medizinischen Wissenschaft

Im Jahre 2006 hat der Vorstand der VIA beschlossen, die Personen, welche sich in besonderer Weise für die Forschung und Lehre in der medizinischen Wissenschaft oder für die Umsetzung der Ziele der VIA eingesetzt haben, mit dem Avicenna-Preis auszuzeichnen. Durch die Preisverleihung soll gleichzeitig die Erinnerung an den großen iranischen Arzt, Philosophen, Mathematiker, Mineralogen, Geologen, Dichter und Autor von etwa 450 Büchern auf verschiedenen wissenschaftlichen Gebieten Avicenna (980-1037) und die mit seinem Namen verbundenen innovativen und integrativen Traditionen in Medizin, Naturwissenschaften und Geistesgeschichte wachgehalten und verbreitet werden.



Wir sind sehr stolz, dass folgende prominente Wissenschaftler im Mai 2008 den dritten internationalen Avicenna-Preis in Bonn entgegengenommen haben:

- ✧ Prof. Dr. Dariush FAHIMI, Anatomie und Zellbiologie, Heidelberg
- ✧ Prof. Dr. med. Payman HADJI, Gynäkologie und Gynäkologische Endokrinologie, Marburg
- ✧ Prof. Dr. med. Valiollah MEHRABI, Chirurgie und Kinderchirurgie, Teheran
- ✧ Prof. Dr. med. Mohammad Resa NOWROUSIAN, Onkologie und Hämatologie, Essen
- ✧ Prof. Dr. med. Abolghassem SEPEHRNIA, Neurochirurgie, Münster
- ✧ Prof. Dr. med. Gholamali TARIVERDIAN, Humangenetik, Heidelberg

Vereinigung der Iranischen Ärzte und
Zahnärzte in der BDR e. V. (VIA)
August 2008

Deutsches Ärzteblatt / Jg. 105 / Heft 34-35 / 25. August 2008, Seite 1794 Rubrik Auszeichnungen / Verleihungen:

International Avicenna Award- verliehen von der Vereinigung iranischer Ärzte und Zahnärzte in Deutschland, an sechs renommierte Ärzte für ihre herausragenden Leistungen und Verdienste um die medizinische Wissenschaft. Geehrte wurden: Prof. Dr. Dariush Fahimi, Heidelberg, Prof. Dr. Payman Hadji, Marburg, Prof. Dr. Valiollah Mehrabi, Teheran, Prof. Dr. Mohammad Resa Nowrouslan, Essen, Prof. Dr. Abolghassem Sepehrnia, Münster, und Prof. Dr. Gholamali Tariverdian, Heidelberg.